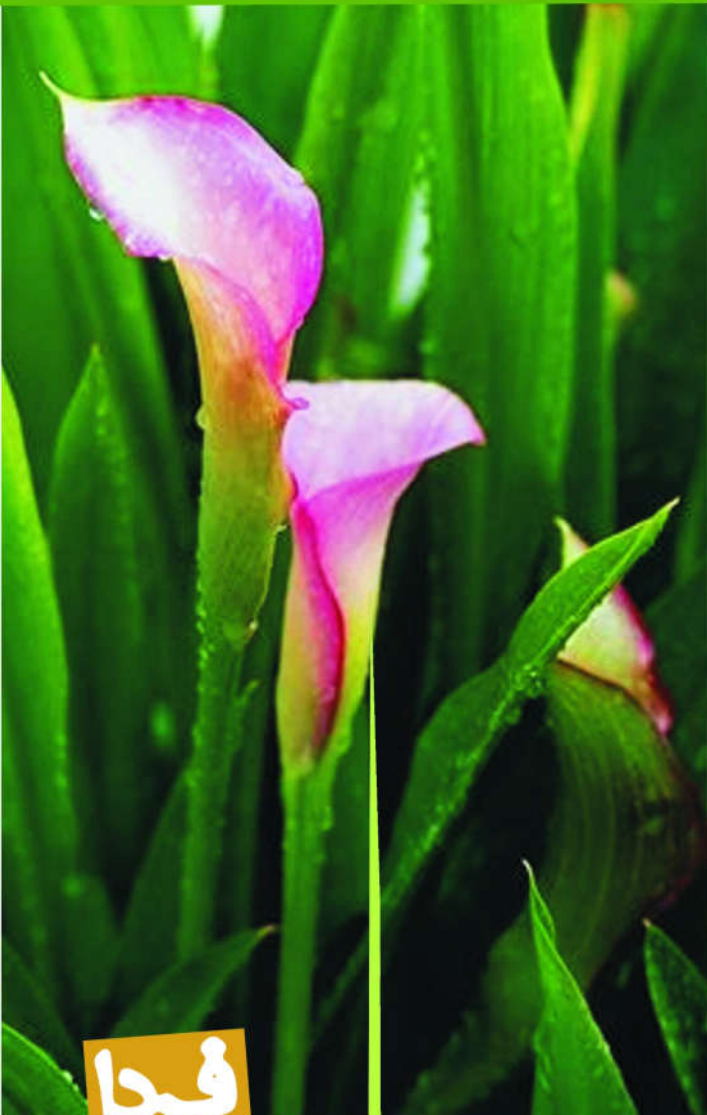




فرحا

چون در روز عید خود را آشکار کند، دیده‌ی همگان بر زیباییش خیره گردد. ارواح آنان به سوی زیباییش سرازیر شود و مردمک چشمانشان از فرط زیباییش هوس‌گزار نمایند. عید من آن روزی است که بادیدگان شاد که زیباییش را تحسین می‌کند، آن زیبایی را ببینم. گر تیر غمی بشت گیرد برسته‌ی ما نشست گیرد پشت فلک از تجلی او هم‌چون دل ما شکست گیرد یک غمزه‌ی آن دو ترکس مست صد شهر، خراب و مست گیرد اگر مرثه دهنده‌ای یا مهربانی از سوی تو آید و هستی من هم در مشتم قرار داشته باشد، آن را به تو تقدیم نموده و خواهم گفت: آن را بگیر.

● بیست و هفتم رمضان: ارتحال دانشمند فقیه اسلام، علامه محمدتقی مجلسی

سید نعمت الله جزایری که نامی ترین شاگرد اوست، می‌گوید: «با آن‌که در سن جوانی به سر می‌برد، چنان در علوم تتبع کرده بود که احدی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بودند. هنگامی که در مسجد جامع اصفهان مردم را موعظه می‌کرد، هیچ کس فصیح‌تر و خوش کلام‌تر از او ندیدم. حدیثی که شب مطالعه کردم، چون صبح از او می‌شنیدم، چنان بیان می‌کرد که گویی هرگز آن را نشنیده‌ام.

● عید فطر:

ای اجابت کننده‌ی دعای مفطرها، به پستی و ذلّتی که نسبت به خودم روا داشتم، رحم کن. من میهمان تو هستم، پس راضی مشو که آبرویم پیش میهمانانت بریزد.

● پانزدهم رمضان: میلاد دومین آسمان مهربانی، امام حسن مجتبی (علیه السلام)

در خنده‌های صبحدم «نیمه‌ی رمضان» مژده‌ی یک میلاد نهفته است. میلاد شکوفه‌ای که بر شاخسار «عترت» روید. سیمایی که زیبایی را معنی کرد. مولودی که حسن بود و زیبا در خلقت و اخلاق. فاطمه (علیه السلام) دریای پیوسته به رسالت و علی (علیه السلام) مسند نشین امامت، وقتی این دو دریا به هم پیوست، غواص آفرینش از تلاقی این دو دریا، گوهر حسن به چنگ آورد. «مرج البحرين يلتقيان»... یخ‌رج منهما اللؤلؤ والمرجان. لؤلؤ سبز این دو دریا حسن بن علی (علیه السلام) است.

● هجدهم رمضان: اوایل شب قیمتی

قدر خدایا! وای بر آن که در شب قدر، فرشته بر او فرود نیامده و با دیو هم‌دم و هم‌نشین گردد.

● نوزدهم رمضان:

امشب این دل یاد مولا می‌کند لیلة القدر است واحیا می‌کند بشتوید ای گوش جان‌ها بی صدا نغمه‌ی فزرت و رب الکعبه را آهای محراب، گلگون می‌شوی در سحرگاهان دگرگون می‌شوی ای نماز صبح، دل بیمار توست با علی، این آخرین دیدار توست

● بیستم رمضان: دومین شب قدر

خدایا! مسافر تائب را بپذیر...

● بیست و یکم رمضان: ستون‌های عرش الهی به لرزه درآمد

امشب مردی درگذشت که پیشینیان به حقیقت او نرسیده‌اند و آیندگان هرگز مانند او را نخواهند دید. کسی که چون نبرد می‌کرد، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ او بودند.

به خدا سوگند در همان شبی وفات یافت که موسی بن عمران در گذشت و عیسی به آسمان برده شد و قرآن نازل گردید. امام حسن مجتبی (علیه السلام)

● بیست و دوم رمضان: آخرین شب قدر

خدایا من دیگر همه‌ی بدی‌هایم را رو کرده‌ام، تو هم بیا و همه‌ی خوبی‌هایم را رو کن.

امروز

● آغاز لحظه‌های طلایی میهمانی

خدا این جا عطر نیایش و استغفار، آلودگی‌ها را می‌زداید و یک ماه تمام آبشار تجلی و رودخانه‌ی تطهیر برای ساکنان «شهر رمضان» فراهم است. این جا پاداش غلبه بر نفس، دست‌یابی به غرفه‌های استجابت است. این جا عزیزترین میهمانان، احساس کننده‌ترین آن‌ها بندگان. در اولین روز رمضان، نخستین پله از تریبان تعالی، امیدواریم تا پایان راه در مجاهده با نفس خویش فایز شویم و عید سعید «معرفت نفس» را درک کنیم. سید ضیاء الدین شفیعی

● سوم رمضان: ارتحال شیخ مفید، دانشمند فرزانه‌ای که حضرت ولی عصر (عج) او را برادر گرمی و استوار خواند

سرسلسله‌ی داغداران و سوگواری این ماتم، قلب عالم وجود و دردانه‌ی خلقت حضرت بقیه الله الاعظم (عج) بود که با اشعاری حزن آلود احساس خویش را بیان فرمود:

لاصوّت التّاعی بفقدک انه یوم علی آل الرسول عظیم... صدای آن که خبر مرگ تو را اطلاع داد، به گوش نرسد که مردن تو روزی است که برآل رسول مصیبت بزرگی است. اگر در زیر خاک پنهان شده‌ای، حقیقت دانش و خداپرستی در تو اقامت گزیده است. قائم مهدی (عج) خوشحال می‌شد، هرگاه تو از انواع علوم تدریس می‌کردی...

● دهم رمضان: وفات مادر بهانه‌ی خلقت، حضرت خدیجه (علیه السلام)

فاطمه (علیه السلام) دامان پدر را گرفته و به گرد او می‌چرخید و می‌پرسید: این امی؟! مادرم کجاست؟! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مانده بود چه بگوید. جبرئیل نازل شده و گفت: سلام خدایت را به فاطمه (علیه السلام) برسان و بگو مادرش در قصرهای بهشتی است که پایه‌هایش از طلا و ستون‌هایش از یاقوت سرخ است و در میان آسیه و مریم نشسته است. زهرا (علیه السلام) تا شنید، آرام شده و برخدا سلام فرستاد.